

نامه کانديد اکادميسين رفيق ظاهر افق، رهبر سازمان جمعيت انقلابي زحمتکشان افغانستان

رفقای گرامی اعضا، فعالان و هیئت رهبری نهضت آینده افغانستان،
از همه اولتر صحتمندی و پیروزی تان را خواهانم،

پارسل مملو از نشرات علمی، سیاسی و فلسفی نهضت آینده افغانستان، به تاریخ ۰۵ فبروری ۲۰۰۹م. هنگامی برایم رسید، که تشنه گی آن را از دیرمدتی در سینه احساس میکردم. همه نشرات نهضت آینده، به خصوص نشریه تازه علمی-فلسفی بُرهان، نظرم را عمیقتر جلب نمود، که میتوان با نشر آن افغانهای جوان ما را در مسیر علمی و فلسفی مبارزه رهنمایی نمود. نشریه مذکور، که قطع و دیزاین مرغوب دارد، محتوای فلسفی و تیوریک آن نظر خواننده گانی را که علاقه مندی فراگیری تیوری و روشنی راه آزادی را دارند، نیز جلب کرده میتواند. البته، در بعضی نکات میشود، هم از نگاه شکل و هم محتوا باهم سخنانی تبادل نمود. تأسیس نهضت آینده افغانستان، که یک ابتکار عالی و به جاست، مضامین فلسفی و فعالیتهای گوناگون سیاسی و تشکیلاتی آن میتوان روشنفکران وفادار به مردم و صادق به جنبش چپ سیاسی کشور را، به دور خود جمع نموده و بالاخر میتوان به یک جنبش سراسری و مردمی تبدیل گردد. البته، به شرط این که، نخست از همه، کلیه نیروهای وطنپرست و مترقی به خاطر نجات خلقهای کشور در سنگر واحد و داغ ضد استعماری و ضد امپریالیستی در برابر کلیه تجاوزها و اشغالگریهای ناتو به سردمداری امپریالیزم امریکا، این وحشیتزین درنده تاریخ به طور آشتی ناپذیر برزمند و کشور محبوب مان را به آزادی عام و تام برسانند. در غیر آن به هدف والای فوق نخواهیم رسید.

باید یادآور شد، که یک سازمان چپ دموکراتیک، خلقی و ملی که هر نوع اصطلاحات و مقوله های چپ و اکادمیک را در جریان پراتیک سیاسی خود استعمال و اشکال گوناگون مرامی را در پیش روی خود داشته باشد، ولی تا شعارهای عملی و استراتیژیک نجاتبخش مردم کشور را در رأس آن نقش نه بسته باشند، بدون شک، مبارزات انقلابی و مردم ما آینده روشن نخواهد داشت.

هم چنین فراموش نباید کرد، تا همه مبارزات سازمانی و تشکیلاتی چپ و مترقی مبنی و متکی بر اصل عمده سنترالیزم دموکراتیک نباشد، بدون شک پیروزی سازمانی و حزبی آن نیز مشکل خواهد بود.

باید روشن نمود، هرگاه یک حزب چپ و مترقی در خطوط مرامی خویش تصنیف روشن طبقاتی و تفکیک دقیق دوست از دشمن را از دست داده باشد، دشمن عمده را از غیر عمده، اساسی را از غیر اساسی جدا نکرده باشد، آشکارا در غلطیهای جبران ناپذیر و نابخشودنی سقوط خواهد نمود.

نمونه های روشن آن را در تاریخ مبارزات مترقی نیم قرن اخیر کشور به درستی مشاهده کرده میتوانیم.

یکی از غلطیهای جبران ناپذیر ایدیالوژیک و استراتژیک ح. د. خ. ا. همین عدم تفکیک دوست از دشمن بود، که عملاً دشمنان آشتی ناپذیر جنبش را به مثابه دوستان سیاسی در آغوش کشیده، ولی برعکس، نزدیکترین دوستان طبقاتی و سیاسی خویش را به مثابه دشمنان آشتی ناپذیر چنان در سلولهای کثیف زندان حقیر و ذلیل ساختند، تا که بعداً، به خاطر انتقامجویی، همین دوستان حقیر شده شان به هر نوع عمل غیر انسانی دست زدند.

با احترام زیاد باید اشاره نمایم، که در اصول مرامی و تشکیلاتی نهضت آینده افغانستان، نی تنها تحلیل و تصنیف عمیق طبقاتی را نیافتم، بل که تضاد و دشمن عمده و آشتی ناپذیر امروز وطن (ناتو) را نیز به طور روشن بازتاب داده نشده است. حتی بعضی جاهها مقاومت های مردم در برابر جنایات نیروهای دشمن به مثابه فعالیت های تروریستی چنان تلقی گردیده، طوری که ماشین تبلیغاتی ناتو آن را به خصومت و صراحت تبلیغ میدارد. ناگفته نماند که همین مقاومت های مردم اند، تا آنان را به مصالحه و عقب نشینی مجبور خواهند نمود. این جا هدف این است، که همه نیروهای چپ، ملی و مترقی کشور در این مرحله اشغال و محکومیت شرم آور کشور، جنایات ناتو را فراموش ننمایند و در کلیه پروگرام های مبارزات ملی و وطنی، نخستین گام های شان را بر ضد تجاوزها و جنایات ناتو و تجاوزگران بین المللی آن بردارند.

در تاریخ همه جنبش های چپ و مترقی دیده نشده، که چشم امید شان به خاطر پیروزی مردم زحمتکش به دشمنان تاریخی چون امپریالیزم بین المللی دوخته و نقش تاریخی مردم زحمتکش را فراموش کرده باشند. در حالی که بعضی از دوستان "نهضت آینده" شکوه کنان چنین وانمود میسازند، که گویا بیروکراتهای دولتی امروز کفایت کار و فعالیت را ندارند. بدون شک، این یک حقیقت روشن است، که بیروکرات های دولتی به خاطر منافع شخصی و باداران

شان همواره در تلاش اند و از منافع مردم باکی ندارند. ولی سوال عمده این جاست، که نیروهای جبار ناتو به رهبری امریکا، مبنی بر خصوصیات طبقاتی و استثماراری شان در هر سرزمین که پای خصومت گذاشته، برضد منافع سیاسی و طبقاتی مردم چنان جنایات را مرتکب شده و میشوند، که تاریخ بشریت آن را فراموش کرده نمیتواند. ببینید، جنایات ضدبشری آنان در عراق، کشور کوچک هایتی و افغانستان، این کشور قهرمانان!

باید دانست، که بدون مبارزه صادقانه، آشتی ناپذیر و هنرمندانه برضد نیروهای امپریالیستی و نوکران حلقه به گوش آنان نمیتوانیم، در توده های وسیع مردم و گروههای مختلف وطنپرست نفوذ نماییم و حتی در بعضی شرایط، برعکس، داخل گروههای چند روشنفکر خودخواه، انتقامجو، متزلزل و دور از مردم محصور خواهیم ماند.

ضرورت تاریخی است، تا در این مرحله نهایت حساس، که کشور توسط نیروهای امپریالیستی به رهبری امریکا، اشغال گردیده و از هر نوع ظلم و وحشت دست بردار نیستند، باید تحت شعار مبارزات ملی و دموکراتیک که بسیار عاقلانه در سرخط نشرات و مبارزات حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جمعیت انقلابی زحمتکشان افغانستان قرار داشت، فراموش نمایم و دلیرانه در صف مردم زحمتکش و ضد اشغال ایستاده گی نموده تا به خاطر رهبری سازنده آینده جنبش و جامعه، گامهای متین برداریم.

هم چنین، از نگاه سازمانی و تشکیلاتی باید گفت، تا که اصل والای سنترالیزم دموکراتیک این ستون فقرات کلیه سازمانهای مترقی و چپ به صراحت و روشنی تام در مرکز ثقل اساسنامه ها و اصول تشکیلاتی قرار نگیرد، استخوانبندی هر سازمان مترقی ناقص خواهد بود.

هدف این که نخست از همه باید، تصنیف طبقاتی جامعه به مقیاس ملی و بین المللی، تشخیص تضادهای عمده به وضاحت تام اعلام و مقاومت ملی و مردمی را در ابعاد گوناگون آن برضد اشغالگران استعماری به پیش رهنمایی نماییم. پیوست به پیروزی آن، ملت ما به مثابه یک ملت آزاد برنامه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره خویش را تحت رهبری جنبش مترقی، به نفع مردم زحمتکش تطبیق و در نتیجه تکامل آن، جامعه ما قدم به قدم به اهداف نهایی خود پیروزمندانه به پیش برود.

باید گفت، که تضاد عمده و اساسی خلقهای زحمتکش ما با سازمان امپریالیست ناتوست که مقاومت همه جانبه را کار دارد، ولی تضاد درجه دوم مردم زحمتکش، عقبمانده گی تاریخی و مناسبات قرون وسطاییست که در نتیجه انکشاف علوم و تکنالوژی، ریفورمهای فرهنگی رشد نیروهای مولد و غیره به طور تدریجی زوال میپذیرد. . . البته اذعان باید نمود، که بین مرحله

مبارزات پیگیر و آشتی ناپذیر ضد اشغال و دوران بعدی تکاملی آن کدام "دیوار چین" قرار ندارد و میتوانیم در دوران مبارزات آشتی ناپذیر ضد امپریالیستی گامهای متین و مؤثری را به خاطر پیشرفتهای گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره که متعلق به هدف بعدی باشد، برداریم.

مختصر این که در این مرحله نهایت حساس و شرم آور تاریخ که توسط چهل کشور اشغالگر به رهبری امپریالیزم امریکا اشغال گردیده و از هیچ نوع جنایت و وحشت دست بردار نیستند، باید تحت شعار آزادی مبارزات چپ ملی را به طور شجاعانه در صف مردم زحمتکش و ضد اشغال قرار گیریم تا هم چنین از آن ها بیاموزیم و بیاموزانیم.

ناگفته نباید گذاشت، که اصل تشکیلاتی سنترالیزم دموکراتیک، فعلاً در اصول تشکیلاتی نهضت آینده به فراموشی سپرده شده، باید به صراحت در مرکز ثقل اساسنامه و اصول تشکیلاتی قرار گیرد تا بالاخر سازمان نهضت آینده چنان استخوانبندی سازمانی بیابد تا مطابق اصول آن مرکز چپ دموکراتیک و ملی کشور گردد.

این بود، سخنان مؤجز و رفیقانه که نی تنها برای رفقای نهضت آینده افغانستان پیشکش گردید، بل که برای همهء محافل و سازمانهای دیگر چپ، دموکراتیک و وطنپرست افغانستان نیز اعلام میگردد. هرکس، هر سازمان و هر محفل سیاسی وطن اگر به مفاهیم مختصر مرامی و تشکیلاتی فوق معتقد و وفادار باشد، این جانب محمد ظاهر آفق و همهء رفقایم به طور صادقانه در نخستین و یا هم در آخرین صف انقلابی و نجاتبخش وطن قرار خواهیم داشت.

رفقای محترم،

بیایید، پیش از تشکیل یک حزب سراسری مترقی مبنی بر اساس سنترالیزم دموکراتیک، که هنوز فاصلهء زیاد در پیش دارد، به خاطر نجات و آزادی کشور، مشترکاً، تحت یک پروگرام واحد و انقلابی گامهای مضبوط و عملی برداریم. البته، این هم زمانی امکان پذیر است، که هر شخص، گروه و سازمان سیاسی، همهء بُتهایی را که مورد احترام خود دارند، موقتاً کنار گذارند و در عوض، یگانه بت مقدس خویش (کشور تاریخی و پرافتخار) - این مادر همه گان مان را - که زیر اشغال خایانه و ظالمانه دشمن به سر میبرد، بدانیم و احترام بگذاریم.

پیروز باشید،